روزنه

بیطرف از آرژانتین رأی نیاورد نه از بهارستان!

جواد امام*

● مـردد بـودم دربـاره رأی عدم اعتمـاد مجلس به آقای بیطرف، نوشـته و صحبتی داشـته باشـم یا خیـر تا اینکه حجم بالایی از تحلیل‌های نادرسـت و نسـبت‌های ناروا باعث شد آن تردید را کنار بگذارم و به سـهم خود و اطلاعات مختصری که دارم، نکاتی را عرض کنم تا مانع از برخی سـوءتفاهم‌ها شوم؛ اما پیـش‌ازآن برای رفع شـبهه مقدر می‌گویـم آمدن یا نیامدن آقای بیطرف هیچ تأثیری در سرنوشـت کاری و سیاسی این‌جانب نداشت. شاید برخی گمان کنند به واسطه همکاری بنده در دوران وزارت ایشان در زمان اصلاحـات، قرار بوده باز هم بـه وزارت نیرو بازگردم و حالا که از این بازگشـت محروم شـدم، ناراحتم؛ اما دوستان و همراهان و از همه بهتر خود آقای بیطرف می‌دانند من مدت‌هاست عطای خدمت در پست‌های دولتی را به لقایش بخشیده‌ام و سعی دارم با حضور و تلاش در فعالیت‌های اجتماعی و حزبی، به کشورم خدمت کنم و به‌همین‌دلیل بود که با سـابقه حضور در معاونت پارلمانی و آشـنایی با فضای مجلس، در اوج روزهای رأی اعتماد، تنها درگیر برگزاری نخستین کنگره حزب مجمع ایثارگران بودم.

۱. تنها وقتی که در این روزهای پرمشغله برای رأی اعتماد وزرا صرف کردم، شنیدن نطق‌ها و مخالفت‌ها و موافقت‌های نمایندگان بود. برخی از این نطق‌ها تلخ و تأسـف‌آور بود. یکی از آنها مربـوط به ماجرای رأی اعتمـاد آقای بیطرف این بود: بـرای اعلام موافقت با بیطرف ۱۴۲ نفر ثبت نام کرده بودند؛ اما در پایان، تنها ۱۳۳ رأی به نفع آقای بیطرف ثبت شد.

۲. بعضی افراد در توجیه کسب‌نکردن رأی اعتماد ایشان گفتند زاگرس‌نشینان و نمایندگان جنوب درباره فعالیت‌های ایشـان انتقاداتی داشـتند و ایشان باید در دفاع این موارد را مطـرح می‌کردند؛ ولی توجهی نکردند. به نظـر این آقایان، بیطـرف فعالیتی جدی برای وزیرشـدن نمی‌کرد. نمی‌دانم منظور این عده از آقایان از فعالیت جدی برای وزیرشـدن چیست؟ آنها چـه کاری را فعالیت جدی می‌دانند؟ از فحوای کلام ایشان چنین استنباط می‌شود که فعالیت جدی برای وزیرشـدن، همان وعده سـر خرمن دادن است. آنها ناراحت‌اند و گلایه‌مند از این است که چرا آقای بیطرف حرف‌های دلخوشکنک نگفته است.

ادامه در صفحه ۱۹

عکس: تسنیم

تحلیل حجاریان از شکل‌گیری و رأی اعتماد به کابینه دوازدهم:

همه با هم کنار آمدند

«کفگیـر به ته دیـگ خورده»؛ این توصیف سـعید حجاریـان از کابینه‌ای اسـت که روحانـی به مجلس معرفی کرده اسـت. حجاریان علت این موضوع را در این دو جمله خلاصه کرده اسـت: «نه کسـی را باقی گذاشـته‌ایم و نه نیرویـی تربیت کرده‌ایـم». حجاریان در ارزیابـی خود از عملکرد فراکسـیون امید در جریان رأی‌دادن به کابینه هم به «جماران» گفته اسـت: «من زیـاد دنبال نکـردم، ولی لابد قول‌هایی بـه نمایندگان داده شـده است. واقعیت این است که همه با هم کنار آمده‌اند؛ مجلس با دولت، فراکسـیون‌ها با وزرا، رئیس مجلس با رئیس‌جمهور، بالا بـا پایین همه با هم کنار آمده‌انـد». او درباره اینکه چرا روحانـی چنین ترکیبی را به مجلـس معرفی کرد، گفـت: «بضاعت روحانی در مقطـع فعلی در همین حد اسـت، چراکه ما از اول انقلاب تا به امروز کادرسـازی نکرده‌ایم، اگر کادرسازی می‌کردیم الان کابینه بهتری داشتیم». حجاریان اضافه کرده: «خود آقای روحانی هم نیرویی بهتر از این وزرای پیشنهادی نداشـت، اگر داشت معرفی می‌کرد. مسئله این اسـت که کفگیر به ته دیگ خورده است و نه کسی را باقی گذاشـته‌ایم و نه نیرویی تربیت کرده‌ایم». او در پاسخ به این سؤال که آیا عملکرد امروز فراکسیون امید نتیجه عملکرد شـورای سیاسـت‌گذاری نیست، گفته است: «شورای سیاست‌گذاری کاری نمی‌توانست بکند، گزینه دیگری نداشت. خودشـان می‌دانند من دخالتی در شورای سیاسـت‌گذاری ندارم، ولی درمجموع فکر می‌کنم روند آن باید کمی اصلاح شود».

مشکل کادرسازی

شاید مهم‌ترین سـخن حجاریان در این گفت‌وگوی کوتاه، تأکید او بر «کادرسـازی» باشد؛ مهمی که اتفاق نیفتـاده، نیرویی تربیـت نشـده و در بزنگاه‌هایی مثل معرفی اعضای کابینه یا تکمیل یا ترمیم بدنه مدیریتی، چهره‌هایی معرفی می‌شـوند و پا به عرصه می‌گذارند کـه نه‌تنها معـرف اصلاح‌طلبی نیسـتند، بلکه افکار عمومی را هـم نمی‌توانند قانع کنند. نگاهی به سـن کابینه و سن بدنه مدیریتی در کشور هم گویای درجازدن و کادرنساختن است. شاید آخرین تجربه اصلاح‌طلبان در سـاختن بدنه اجتماعی و مدیریتی، عمر دولت‌های اصلاحات باشـد؛ ذخیـره‌ای که جریـان اصلاحات در هـر انتخابات هنـوز هم بـه آن ناخنـک می‌زند و در توجیـه گزینه‌هایـی که بـرای هر انتخابات یا سـمت معرفی می‌کند، گفته می‌شـود فلانی جزء مدیران دوره اصلاحات اسـت. این همان کادرنسـاختن از نیروهای اجتماعی اسـت که همواره پایینـدی خود را به جریان اصلاحات با نوع رأی خود نشـان داده است؛ نیروهایی کـه در دوره احمدی‌نژاد فـارغ از نـوع برخوردهایی که صورت گرفت، اما از سـوی احزابـی هم که مجوز فعالیت داشتند، رها شـدند. این فرصت در دولت اول روحانی هم از دسـت رفت. با آنکه تشکل‌های سیاسی جدیدی در این دوره مجـوز فعالیت گرفتند، اما تربیت نیروی سازمانی که بعدا بتوان آن را به بدنه قدرت وارد کرد، جزء برنامه‌های جریان اصلاحات نبوده است. خلأ این موضوع آن‌قدر جدی اسـت که سعید حجاریان در میانه‌های سـال ۹۶ به هر بهانه‌ای بر آن تأکید می‌کند. او چنـدی پیش در نامه‌اش به بچه‌هـای حزب اتحاد در نازی‌آبـاد هـم همین نکته را گوشـزد کـرده بود. حجاریان در بخشـی از آن نامه آورده بـود: «نازی‌آباد محله‌ای اسـت کارگری و رهبران محلی نقش مهمی در هدایت و سـازماندهی اقشار کارگری به‌عهده دارند که اگر حـزب نازی‌آبـاد بتواند از این رهبـران محلی تبعیت کند بار سنگینی را برداشته است. در پایان یادآور می‌شوم که تشکیل جلسات کتاب‌خوانی و سخنرانی و آموزش دانش سیاسـی و انتقال تجربیات سینه‌به‌سینه که دورکـردن ما از فضای مجازی را بـه دنبال دارد از جمله ضرورت‌هایی است که به مرور اعضای پایه را به کادرهای حرفه‌ای حزبی تبدیـل می‌کند و به‌هیچ‌وجه نباید آن را نادیده بگیرید».

جای خالی احزاب

فعالیت حزبی و سازمانی، رفتار سازمانی را در پی دارد. آنچه در جریـان رأی اعتماد به کابینه دوازدهم دیده نشـد، همه از لابی‌های فردی و زدوبندها حرف زدنـد و در نتیجه ورود نیروهایی که یا سـازمانی وارد مجلس نشـده‌اند یا اگر در حـزب و گروهی بوده‌اند، تحت تربیت حزبی قرار نگرفته‌اند، رفتار فراکسـیونی می‌شود که نتوانسته در برخی بزنگاه‌ها افکار عمومی را قانـع کند. ناصـر ایمانی، فعال اصولگرایی اسـت که البته نسـبت خویشـاوندی هم بـا حجاریان دارد. او در مصاحبـه‌ای با ایرنا، به نقـل از حجاریان درباره فراکسـیون امید گفته بود: «... ایشان می‌گفت اعضای فراکسـیون امید می‌توانستند خیلی بیشتر از آن چیزی که تاکنـون از خود نشـان داده‌اند تأثیرگـذار و مفید باشـند، حتی اگر تعداد آنها کمتر از رقم موجود بود. حجاریان می‌گفت سازماندهی و تشکیلات فراکسیون امید ضعف دارد».

حجاریـان پیش‌تـر هـم در مصاحبـه‌ای درباره «سیاسـت‌ورزی» در ایران تلویحا همیـن موضوع را مورد اشاره قرار داده و گفته بود: «به دلیل حاکم‌بودن شـرایط ناهنجار در ایران، سیاسـت همواره ناپایدار و پیش‌بینی‌ناپذیر است. حتی اگر شخصی علم سیاست را هـم بدانـد، قادر بـه پیش‌بینی شـرایط و طراحی نقشه موفقیت نیسـت. در جامعه‌ای که سازمان‌ها و نهادهای سیاسـی وجود دارنـد و هنجارها، ارزش‌ها و سـازوکارها دقیق عمل می‌کنند و دموکراسی فعال است، امور هم قابل پیش‌بینی و سیاست هم حرفه‌ای است. در بستر سیاست حرفه‌ای، تصمیم‌گیری‌ها کاملا کارشناسی‌شـده اتخاذ می‌شـوند؛ مثلا در کشورهای راقیه برای چگونگی حضور در انتخابات نظرسـنجی انجام می‌گیرد و بررسـی می‌شـود که در چه مواردی باید سـرمایه‌گذاری صورت گیـرد و چه صحبت‌هایی ردوبـدل شـود و درکل چـه اقداماتی انجام شـود. هرکـدام از ایـن تصمیم‌گیری‌ها را یـک بخش مجزا انجام می‌دهد. به همین علت اسـت که در انتخابات با ظرایـف زیادی مواجه می‌شـویم و می‌بینیم ماه‌ها سیاسـت‌مداران حرفـه‌ای گویـی که در حـال بازی شـطرنج هسـتند، مدام مهره‌ها را جابه‌جا می‌کنند و برای پیـروزی در انتخابات برنامه‌ریـزی می‌کنند، اما در ایـران همه‌چیـز یک‌هفته‌ای تمام می‌شـود و این موضوع به آن معناست که ما هنوز برای امر سیاست طراحی نداریم». او در همین مصاحبه به موضوع سن چهره‌های سیاسـی در ایران هم اشـاره کرده و گفته بود: «وقتی شـرایط هرج‌ومرج حاکم اسـت و اوضاع مثل یک بازار سـیاه و آشفته‌بازار می‌ماند، کار یک فرد بی‌سـواد بالا می‌گیرد، اما یک دکتر اقتصاد نمی‌تواند کار کنـد. در اینجـا نتیجه یـک کار، کارشناسی‌شـده تضمین‌شـده نیسـت. معلوم نیسـت که پیش‌بینی کارشناسی شما درست از کار درآید. در چنین شرایطی انگیزه‌ای برای سیاسـت‌ورزی حرفـه‌ای وجود ندارد. اصلا آماتـور در لغت به معنای نابالغ اسـت و ما در ایران پیرمردهای نابالغ سیاسی زیاد داریم... . وقتی در مسـیر علم سیاسـت حرکت کنیم و به سمت اندیشه سیاسی برویم، وارد دنیای تازه و جذابی می‌شویم. در دنیای غرب بسـیاری از افراد میـان نظر و عمل پیوند برقـرار می‌کنند؛ هم تحصیـل آکادمیک می‌کنند، هم در احزاب هسـتند و سال‌ها سیاسـت‌ورزی حرفه‌ای می‌کنند و هم سال‌ها در دولت کار می‌کنند».

خطر حذف

حجاریـان در همیـن گفت‌وگـو تیر خـلاص را هـم زده و گفته بود: «تا در عرصه سیاسـت شـما احساس نکنید که خطر حذفتان جدی است و بقای سیاسی‌تان را در خطر نبینید، به سمت حرفه‌ای‌شدن حرکت نمی‌کنید... و البته برای کسانی که در سیاست به‌جای پله‌ها از آسانسور بالا می‌آیند و به این شکل، مـدارج سیاسـی را طی می‌کنند، پذیـرش ضرورت حرفه‌ای‌شدن، بسیار سـخت است». حرفه‌ای‌شدن و کادرسـازی، بـرای نخوردن کفگیر بـه ته دیگ از ضرورت‌هایی است که رئوس جریان اصلاحات هنوز به ضرورت آن پی نبرده. هنوز هم در بر پاشنه برخی چهره‌ها و اسامی می‌چرخد. احزاب متعددی شکل می‌گیرند، ارکان خود را تشکیل می‌دهند، شاخه‌های استانی و...، اما از دل این فعالیت‌ها تاکنون نیروهایی تربیت نشده‌اند که بتوانند در بزنگاه‌ها عرضه شوند.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **گلایه مسافران شرکت واحد:** چرا اتوبوس‌های بخـش خصوصی خط میدان ونک - رسـالت، از سـاعت ۲۱ به بعد کارت‌بلیت قبـول نمی‌کنند؟ رانندگان مسـافران را به پرداخت کرایه نقدی که بیشـتر اسـت، ملزم می‌کنند. از مسئولان شرکت واحد اتوبوس‌رانی تقاضای رسیدگی داریم.

کاظم‌زادگان

● **مالیات؛ چـرا؟** چرا مشـترکان تلفـن همراه هنگامی کـه شـارژ می‌خرند، مبلغـی به‌عنوان مالیات یا ارزش‌افزوده از آنان کسـر می‌شود؟ چرا شـرکت مخابرات به این‌گونه مسـائل رسـیدگی نمی‌کند؟

الناز قاسمی

● **مشکلات میدان شـوش:** میـدان شوش و لب خط، محـل تجمع معتـادان و بی‌کاران اسـت. به‌طوری‌کـه خانواده‌ها به‌ویژه دختـران، زنان و کودکان برای عبور از این محل‌ها با ترس و دلهره رفت‌وآمد می‌کننـد. آیا وقت آن نرسـیده نیروی انتظامی به‌طور ضربتی این محل‌ها را پاک‌سـازی کند؟

علی رمضانی

بازتاب

● **پاسـخ روابط عمومی شـهرداری منطقه ۱۳:** در پاسـخ به مطلب مندرج در آن جریـده وزین، مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۱۵ با عنـوان «چرا بازارچه شهرسـتانی متولـی نـدارد؟» ضمن تشـکر از شـهروند محترم درخصـوص اعلام مشـکلات محلی و شـهری به آگاهـی می‌رسـاند: بازارچه شهرسـتانی که یکی از بازارهای قدیمی شـهر تهران اسـت، تحت نظارت انجمن اسـلامی صنـوف شـهرداری منطقه ۱۳ و تعزیرات اسـت که طی سال‌های گذشته با همکاری بین بخشی، حجم بسیاری از تخلفات در این محدوده کاهش یافته است که تداوم این امر نیاز به همکاری و تعامل بین بخشی دسـتگاه‌های مسئول همچون نیـروی انتظامی، تعزیـرات و... دارد. ولیکن در حال حاضـر، شـهرداری منطقه طبق روال گذشـته و به صورت روزمـره به وظایف ذاتی خود برای مقابله با تخلفات عمل کرده و برای همکاری با دسـتگاه‌های مسئول آمادگی دارد.